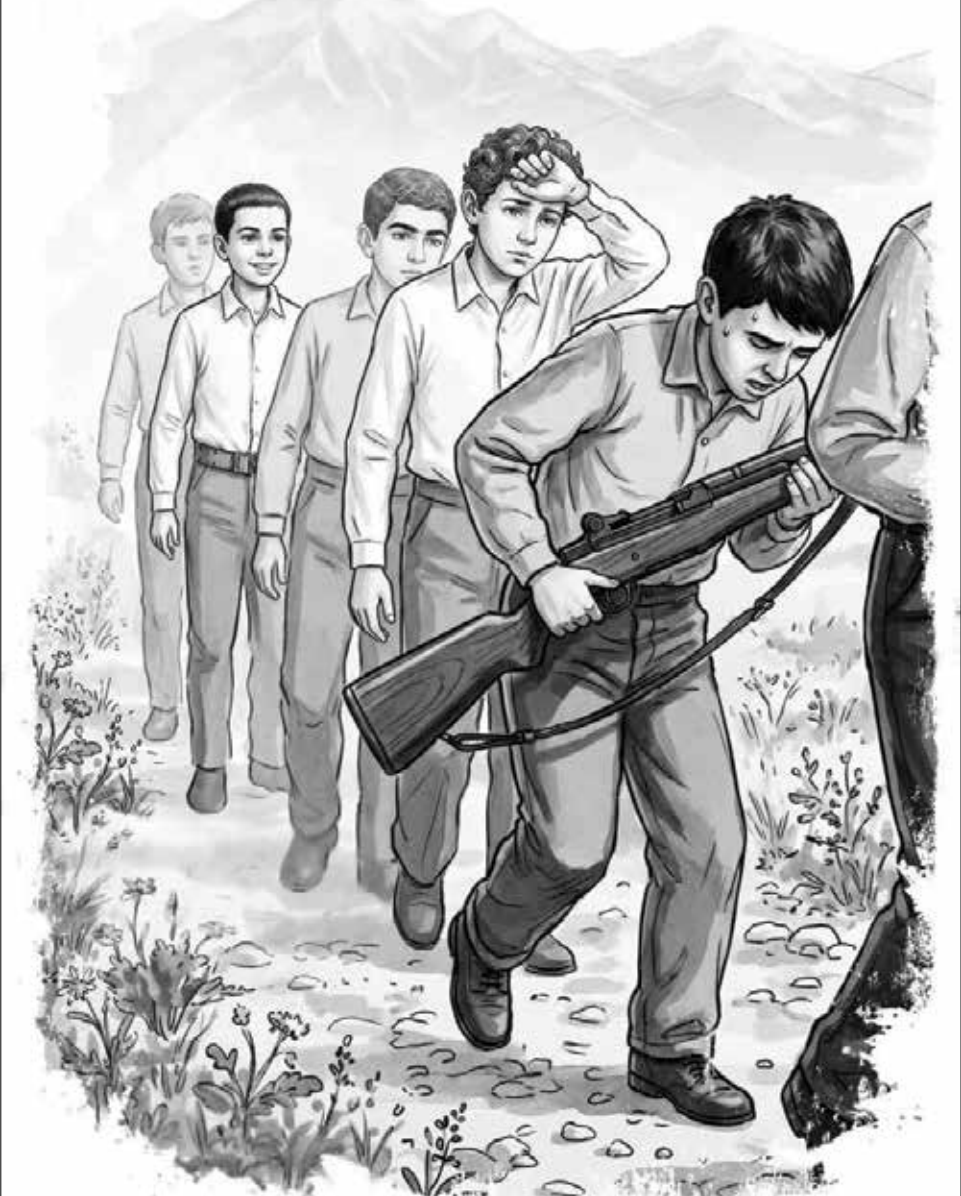




آمیزه‌ای از شجاعت و معصومیت

از شور نوجوانی تا حقیقت دفاع در همه فن حریف نوشته مهدی کاظمی



کتاب «همه فن حریف؛ روزهای پرماجرای پُری پرادعا» یک اثر جریان‌ساز در حوزه دفاع مقدس به شمار می‌آید. این کتاب دقیقاً همان خلّایی را بر می‌کند که نسل امروز برای درک درست دفاع مقدس به آن نیاز دارد؛ ترکیبی از طنز اجتماعی، وقایع‌نگاری صادقانه و نگاه تجربه‌ریسته موشکافانه به نوجوانی که در بحران و اتفاقات بی‌در پی، به بلوغی فراتر از سن و سالش دست پیدا می‌کند

طرحی که در صفحه ۸۷ کتاب «همه فن حریف» چاپ شده است

به همین دلیل روایت‌های زیسته و خاطره‌نگاری‌ها از اهمیت بالایی برخوردارند چرا که از حصار گزارش‌های رسمی و خشک نظامی بیرون آمده و به دنیای درون آدم‌ها و روزمرگی‌های‌شان نفوذ می‌کند. ما امروز تشنه شنیدن صدای واقعی‌رزمندگانیمهستیم که در عین ایستادگی، می‌خندیدند، شوخی می‌کردند و در زمان‌هایی هم دلتنگ خانه و خانواده می‌شدند. این روایت‌ها پلی میان گذشته و حال ایجاد می‌کنند، پلی که هویت تاریخی این نسل را زنده نگه می‌دارد و الگویی انسانی از مسئولیت‌پذیری در شرایط سخت را برای نسل‌های آینده به تصویر می‌کشد. این آثار معمولاً با بازنمایی صادقانه نقاط ضعف، ترس‌ها، خستگی‌ها و تحولات درونی، رزمندگان را از جایگاه اسطوره‌های دور و غیرقابل دسترس، به شخصیت‌هایی تبدیل می‌کنند که مخاطب می‌تواند با آنها همدات‌پنداری کند. وقتی قهرمان قصه در آغاز راه و نوجوانی باشد، آن هم با ویژگی‌های خاص خودش، شیطنت‌ها و لجبازی‌های رایج این سن و سال، آنگاه درک ایثار و شجاعت نهایی او برای مخاطب باورپذیرتر می‌شود. در واقع، ما نیاز داریم بدانیم که نسل چگونه توانست زندگی را در سخت‌ترین شرایط حفظ کند. در میان آثار متعددی که در سال‌های اخیر با رویکرد روایت صمیمانه و به دور از تکلف به این حوزه ورود کرده‌اند، کتاب «همه فن حریف؛ روزهای پرماجرای پُری پرادعا» نوشته مهدی کاظمی که توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر شده، یک اثر جریان‌ساز در این حوزه به شمار می‌آید. این کتاب دقیقاً همان خلّایی را بر می‌کند که نسل امروز برای درک درست دفاع مقدس به آن نیاز دارد؛ ترکیبی از طنز اجتماعی، وقایع‌نگاری صادقانه و نگاه موشکافانه به تجربه زیسته نوجوانی که در بحران و اتفاقات بی‌در پی، به بلوغی فراتر از سن و سالش دست پیدا می‌کند. این اثر توانسته با تکیه بر جزئیات دقیق و روایتی گرم، تصویری تازه از جنگ ارائه دهد که هم برای مخاطب نوجوان جذاب است و هم برای کسانی که به دنبال خواندن یک روایت انسانی و صادقانه از آن سال‌ها هستند.

بلوغ معنوی در دل بحران

موضوع اصلی کتاب، خاطرات یک نوجوان پسرشروع‌شور در سال‌های دفاع مقدس است؛ اما تفاوت آن با بسیاری از روایت‌های رسمی و خشک، تمرکز بر روزمرگی‌ها،



اثر، تصویری ملموس و به‌دور از شعارزدگی ارائه می‌دهد، قهرمان داستان او بی نقص نیست، شیطنت می‌کند، اشتباه می‌کند، می‌ترسد و از خطاهایش درس می‌گیرد. نویسنده برای به تصویر کشیدن ویژگی‌های این نوجوان سرکش، از جمله خودشفتگی شیرین، شوخ طبعی و کله‌شفتی، به دام نصیحت‌گویی نیفتاده است. خواننده همراه با خطاهای مهدی پیش می‌رود، می‌خندد و از تصمیمات عجولانه‌اش هم گاهی حرص می‌خورد. تحول شخصیت او یک‌شبه اتفاق نمی‌افتد، بلکه روندی تدریجی و حاصل برخورد با حقایق تلخ و شیرین زندگی است. به همین دلیل برای خواننده دلنشین است و با او احساس همدات‌پنداری می‌کند.

پنجره‌ای به دنیای نوجوانان جنگ

یکی از ویژگی‌های کتاب، ورود شخصیت‌های واقعی بویژه فرماندهان نامدار لشکر ۸ نجف اشرف از جمله شهید حاج احمد کاظمی به روایت است. حضور این شخصیت‌ها نقشی مهم در سیر تحول مهدی دارد. همچنین اشاره به بازی‌های آن دوران، بویژه بازی‌هایی مثل لاستیک‌بازی جالب‌ترین قسمت کتاب است. این بخش‌ها پنجره‌ای به دنیای درون نوجوانان آن نسل باز می‌کنند و نشان می‌دهند در دل شرایط سخت جنگ، روح شاد و خلاق نوجوانی همچنان زنده باقی مانده بود. این بازی‌ها، تضادی دلنشین میان جنگ و کودکی را بازگو می‌کنند. در واقع رزمندگان همان نوجوانانی بودند که در کوه‌ها می‌دویدند و حالا در سنگرها، آمیزه‌ای از شجاعت و معصومیت را با هم دارند. در میان ویژگی‌های ساختاری، استفاده از تصویرسازی‌ها میان متن کتاب نیز بسیار هوشمندانه بوده است. این تصاویر تنها برای زیبایی نیستند، بلکه بخشی از شیوه روایت اثر به شمار می‌روند. برای نسل امروز که تجربه مستقیمی از سال‌های انقلاب و جنگ ۸ ساله را ندارد، این تصاویر به فهم بهتر فضا، لباس‌ها، وسایل و محیط وقوع حوادث کمک می‌کند. تصاویر به خواننده کمک می‌کنند تا در کنار متن، صحنه‌ها را در ذهن خود بسازد و با شخصیت‌ها ارتباط عمیق‌تری داشته باشد. همچنین این تصاویر با لحن طنز و شاد کتاب هماهنگ هستند و مانع حوادث شکست‌ها، تنبیه‌ها و ویرابویی با سختی‌های رزمندگان و دیدن آن روی جنگ، رفته‌رفته صورت‌آتش را در هم می‌شکنند. کتاب با طرافت نشان می‌دهد که قهرمان بودن همیشه به شلیک آرمی جی و گرفتن اسلحه در دست نیست بلکه تاب‌آوری در کارهای پشت خط، غلبه بر غرور و پذیرش مسئولیت در قبال خانواده، مرتبه‌ای بالاتر از شجاعت است. برای این نوجوان، جبهه تنها میدان نبرد نیست، بلکه کارگاه‌های مین و ساختن بمب‌های کوچک، تشریفاتی نیست. این اثر به دل‌پیشانی و والدینش، نه تنها مانع نیستند، بلکه انگیزه‌ای برای صیقل دادن روح سرکش او به شمار می‌رود. نویسنده تأکید می‌کند بلوغ واقعی، زمانی رخ می‌دهد که نوجوان نگاه خودخواهانه خود را کنار بگذارد و اندوه و نیاز دیگران را ببیند. به همین دلیل نویسنده از تقدس گرایی فاصله گرفته و ترس، خستگی و غمی نوجوانی را پنهان نمی‌کند و همین نگاه انسانی باعث می‌شود ایثار نهایی شخصیت‌ها برای مخاطب باورپذیرتر باشد. مهدی کاظمی در این



داستانی نوشته می‌شود. اما تخیل و استفاده از تشر، زبان داستان و دیگر عناصر داستانی است که مثل عطر گل در لابه‌لای اوراق کتاب می‌پیچد و آن را خواندنی‌تر و خوشبوتر می‌کند. البته نویسنده هنگام نوشتن رمان، حتی اگر موضوعش برگرفته از دفاع مقدس باشد، الزامی به انطباق دقیق اسامی، مکان‌ها یا زمان با واقعیت ندارد. در چنین شرایطی، دست نویسنده برای خلاقیت بازتر است؛ کما اینکه در خلق داستان کوتاه نیز نویسنده بسیار راحت‌تر می‌تواند از تخیل خود بهره بگیرد. البته در نهایت، محتوا و کیفیت روایت، اهمیت تعیین‌کننده‌ای دارد. اثر اگر از جان نویسنده برآمده باشد و با چیره‌دستی پرداخت

تلاش خودشان را کرده‌اند تا از تیپ‌سازی به سمت شخصیت‌پردازی بروند و از سیاه یا سفید سفید نوشتن، به سمت خلق شخصیت‌های خاکستری حرکت کنند. اما بعضی از افراد هم زیادی در این زمینه غلتیدند؛ گویی که از جنگ می‌نویسند، نه دفاع. در حالی که نه شعارزدگی خوب است و نه سیاه‌نویسی و در مجموع در این زمینه یعنی نگارش آثار دفاع مقدس جای کار بسیار است و باید تلاشی مجدانه‌تر کرد.

تسخیر روح مخاطب جوان

استاد و خاطرات دستمایه کار برای دفاع مقدس هستند، خصوصاً وقتی زندگینامه

راویان قهرمانان واقعی

ادبیات مقاومت ما شریف‌تر از ادبیات جنگ جهان است



هادی خوشروشایان نویسنده و شاعر

در دوران دفاع مقدس ادبیات به گونه‌ای شکل گرفته بود که هم روحیه مردم تضعیف نشود و دل‌ها خالی نگردد و هم نوعی فعالیت مستمر در بطن جامعه جریان داشته باشد. ادبیات آن مقطع بیشتر به همین بخش‌ها می‌پرداخت. ادبیات دفاع مقدس در آن دوران درباره جنگ و اسرا بود و هدف تهییج و تبیین داشت، اما پس از پایان جنگ، به مرور از حجم این دست آثار کاسته شد و کتاب‌ها به شرایط پس از جنگ نیز پرداختند. در دوران دفاع مقدس همه چیز به این سمت و سو حرکت می‌کرد که ما باید این جنگ را تا پیروزی نهایی ادامه دهیم. با این حال، پس از پایان جنگ، به خصوص در حوزه ادبیات کودک و نوجوان، این فضا مقداری کم‌رنگ‌تر شد؛ یعنی ادبیاتی شکل گرفت که کودکان بیشتر با مفهوم صلح مواجه شوند و دیگر به آن شکل و با همان شواهد خشن به جنگ فکر نکنند. تلاش بود ادبیاتی پدید آید که جنگ را تعدیل کند، نه اینکه سند دفاع مقدس را کنار بگذارد تا برای کودکان محیطی آرام‌تر به وجود بیاید. در گذشته وقتی درباره جنگ صحبت می‌کردیم، فوراً مشخص بود منظور کدام عملیات یا رخداد است. نسل آن دوران هرچند در صحنه نبرد حاضر نبودند، مثلاً خود من که نیشابوری بودم و در مناطق جنگی جنوب یا غرب حضور فیزیکی نداشتم، اما لحظه به لحظه با اخبار و فضای آن در ارتباط بودم. در دوران دفاع مقدس، تنها کودکان و نوجوانانی که در مناطق جنگی حضور داشتند تصویری از جنگ در ذهن‌شان شکل گرفته بود؛ اما در جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان، از آنجا که تمام کشور درگیر نبرد شد، کودکان و نوجوانان تصویر روشن‌تری از جنگ دارند. در واقع اکنون به دلیل وقایع پیرامونی، درک آسیب‌های جنگ ملموس‌تر شده است؛ مثلاً اگر امروز بگوییم آمریکا تهدید کرده یا نیروهای نظامی در حال دفاع هستند، این تصویر برای مخاطب امروزی به شکلی عینی قابل تصور است و ماهیت نبرد را بهتر درک می‌کند.



عبدالرسول زرین، تک‌نیرانداز لشکر ۱۴ امام حسین (ع) سیاه پاسداران بود ۲۰۰۰ سالیک موفق. او در ۱۱ اسفند ۱۳۴۲ به شهادت رسید.

به همین دلیل به نظر می‌رسد این روزها نوشتن درباره جنگ و برقراری ارتباط با مخاطب جوان، به به واسطه فهم بهتر این شرایط، حتی راحت‌تر و ملموس‌تر از گذشته باشد. وقتی در حوزه داستان واقعی و افراد آن می‌نویسیم، بسیار به واقعیت وفادار می‌مانیم؛ مثلاً شهید عبدالرسول زرین که تک‌نیرانداز قهاری بود و نقشش را کامپیژ دیرباز در سینما بازی کرد، در این روایت‌ها واقعاً به واقعیت تکیه شد. مگر اینکه از قهرمانان شناخته‌شده و نامداری مثل مهدی باکری یا ابراهیم همت نام نبریم و یک فرمانده کلی و ساخته ذهن را در نظر بگیریم؛ در آن حوزه‌ها داستان‌ها بیشتر به پایه تخیل نوشته شده‌اند و به مقتضای درک نویسنده از جنگ، چیزهایی هم به واقعیت افزوده شده و با تخیل پیش رفته است. در سال‌های اخیر به خصوص در آثاری که به روایت‌هایی مثل دوران کودکی و نوجوانی، شهید سلیمانی و امثال ایشان پرداخته‌اند، شخصیت‌ها کاملاً ملموس، انسانی و دست‌یافتنی تصویر شدند. خانواده‌های‌شان، محیطی که در آن رشد کردند و دغدغه‌های‌شان چه برای مخاطب نوجوان و چه بزرگسال کاملاً طبیعی است. قهرمانان ما شبیه قهرمان‌های سینمایی هالیوود، سوپرمن یا قهرمان‌های بالیوودی تخیلی نبودند. قهرمانان دفاع مقدس انسان‌های واقعی بودند با تمام ویژگی‌ها، ضعف‌ها و شرایط جامعه خودشان؛ چه آنهایی که در جبهه حضور داشتند و چه کسانی که در دوران اسارت یا پس از آزادی رسته بودند، همگی با تمام خصلت‌های انسانی‌شان به عنوان قهرمان معرفی شدند، نه موجوداتی ماورایی و دست‌نیافتنی.

شریف‌تر از ادبیات جنگ جهان

در دهه‌های گذشته نویسنده شاخص به آن مفهومی که در ادبیات جهان می‌شناسیم، نداشتیم. یک ادبیات جنگ بین‌المللی در جهان وجود دارد؛ مثلاً در آلمان، انگلستان یا آمریکا، نویسندگان برجسته‌ای پدید آمده‌اند که به معنای واقعی کلمه جهانی شدند، آثارشان بازتاب بین‌المللی یافت و جوایز معتبر دریافت کردند. اما در ایران این وضعیت چندان محقق نشده که اثری خلق کنیم تا چهره‌ای خاص بسازد، زبان‌های مختلف ترجمه شود و اقتباس‌های سینمایی جهانی از روی آن اتفاق بیفتد. نه اینکه اصلاً اثری نبوده باشد، ولی در سطح جهانی و با آن تعریف شاخص، چنین پدیده‌ای نداشته‌ایم. حتی آثاری از دفاع مقدس هم که در حوزه ترجمه ارائه شدند، بیشتر با حمایت و سرمایه‌گذاری خود دولت پیش رفتند و قرارداده‌ها را خودمان تنظیم کرده و چاپ کردیم؛ یعنی جریان جهانی خودبه‌خود سراغ‌شان نیامد. برای مثال، در جهان رمان‌هایی مانند «وداع با اسلحه» یا «زنگ‌ها برای که به صدا درمی‌آیند» از نست همینگوی را داریم که نوشته شدند و در ابعاد وسیع جهانی دیده شدند، اما در ایران اثری که بتواند تا این حد جهانی شود، خلق نشده است. بی‌تردید در ادبیات جهان از حیث تکنیک و فرم، آثار بسیار قوی و فنی‌تر نوشته شده است؛ اما از نظر محتوایی و مضمونی، ادبیات ما تفاوت عمده‌ای با ادبیات غرب، ژاپن یا آمریکا دارد. ادبیات ما همواره ادبیاتی شسته رفته و اخلاقی مدار بوده است. در آثار نویسندگان برجسته غربی مثلاً نوشته‌های نویسندگان فرانسوی یا همین رمان «وداع با اسلحه» مسائل زننده و رفتارهای غیراخلاقی فراوانی در دل جنگ به چشم می‌خورد. اما تفاوت بنیادین در آثار دفاع مقدس ما این است که موضوعات غیراخلاقی در آن دیده نمی‌شود، چون در واقعیت جبهه‌های ما نیز چنین مسائلی پیش نمی‌آمد و مبنای کار رزمندگان بر پایه غیبت، شرافت و باورهای معنوی بنا شده بود. بنابراین شاید از نظر ساختاری هنوز به استانداردهای بزرگ جهانی نرسیده باشیم، اما از حیث درون‌مایه و سلامت مضمون، ادبیات دفاع مقدس ما بسیار شریف‌تر از ادبیات جنگ سایر کشورهاست. در مجموع، حوزه دفاع مقدس آن قدر گسترده است که هیچ محدودیتی برای پرداختن به آن وجود ندارد. هرواقعی‌ای را که در نظر بگیرید، از فضای مدرسه گرفته تا پشت جبهه، خانواده، سفرها و ابعاد مختلف نبرد ظرفیت نوشتن دارد. با توجه به گستردگی زمانی و جغرافیایی ۸ سال جنگ، ظرفیتی بی‌نهایت پیش روی نویسندگان است و هنوز هزاران رمان دیگر می‌توان درباره زوایای مختلف این دوران خلق کرد.